

توصیه‌های سیاستی برای ارتقای نظام مالکیت فکری در ایران

جواد مشایخ^۱

چکیده

نظام مالکیت فکری عبارت است از مجموعه نهادها و قوانینی که در طراحی، به‌کارگیری و اجرای مالکیت فکری در اقتصاد ملی دخیل‌اند. نظام مالکیت فکری یکی از مهم‌ترین خرده‌نظام‌های نظام ملی نوآوری است که ابزار بالقوه قدرتمندی برای سیاست‌های نوآوری در همه کشورهای با هر سطحی از توسعه به‌شمار می‌آید. با این حال، به‌علت تفاوت در ماهیت و عملکرد نظام ملی نوآوری در کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته، نظام مالکیت فکری باید با سطح توسعه و ظرفیت نوآوری در این کشورها متناسب باشد. در این تحقیق، پس از بررسی تاریخی شکل‌گیری نظام مالکیت فکری در ایران و تشریح مؤلفه‌های نظام فعلی، قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای نظام مالکیت فکری در ایران با استفاده از روش سوات تحلیل شده است. در پایان نیز توصیه‌های سیاستی برای تطابق هرچه بیشتر نظام مالکیت فکری با نظام ملی نوآوری در ایران ارائه شده است.

واژگان کلیدی: نظام مالکیت فکری، نظام ملی نوآوری، کشورهای در حال توسعه، روش تحلیل سوات (SWOT).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۱

مقدمه

زمینه‌ای متعدد، با کشورهای توسعه‌یافته به‌کلی متفاوت است (Cimoli and Dosi, 1995). حجم کم سرمایه‌گذاری در بخش‌های تحقیق و توسعه دولتی و خصوصی، ضعف در شبکه ارتباطی صنعت و دانشگاه و دسترسی محدود نوآوران به بازارهای مالی برخی از عوامل زمینه‌ای هستند که در نوآوری و سیاست‌های مربوط به آن در کشورهای در حال توسعه تأثیر به‌سزایی می‌گذارند (Wang and Zhou, 2012; Aboites and Cimoli, 2002). لذا شکل‌گیری و تکامل نظام ملی نوآوری در این کشورها و به‌تبع آن نهادها، زیرساخت‌ها^۲ و خرده‌نظام‌ها^۳ی مرتبط متأثر از چنین تفاوت‌های ساختاری خواهد بود.

مفهوم نظام ملی نوآوری، از زمان مطرح‌شدن تا کنون، ضمن پویایی‌های علمی پیرامون آن، مورد توجه ویژه سیاست‌گذاران نیز قرار گرفته است (سوزنچی کاشانی، ۱۳۹۷). نظام ملی نوآوری به‌منزله چارچوب مفهومی و ابزار تحلیلی برای ارزیابی عملکرد نوآوری کشورها، اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه، رواج یافته و سازمان‌های بین‌المللی همچون کمیسیون اروپا، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD) آن را به‌کار بسته‌اند (قاضی‌نوری، سیدسپهر و سیدسروش قاضی‌نوری، ۱۳۸۷). اما ماهیت و سطح تکامل نظام ملی نوآوری در کشورهای در حال توسعه، به‌علت تفاوت‌های

۱. پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری، دکتری مدیریت تکنولوژی؛ Mashayekh@tsi.ir

2. Institutions
3. Infrastructures
4. Subsystems

۱. چالش‌های نظام ملی نوآوری در کشورهای در حال توسعه و تأثیرات آن بر نظام مالکیت فکری

اهمیت نوآوری در توسعه اقتصادی نخستین بار در آثار شومپتر در نیمه اول قرن بیستم مورد تأکید قرار گرفت. با این حال، شکل‌گیری حوزه دانشی مطالعات نوآوری را می‌توان به دهه‌های پنجاه تا هفتاد میلادی نسبت داد. در این دوره، محققانی از حوزه‌های گوناگون همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، مطالعات سازمانی و... با تشریح مساعی، بنیان‌های مطالعات نوآوری را شکل دادند. این حوزه دانشی از دهه هشتاد میلادی به بعد وارد مرحله بلوغ شد. تلفیق مطالعات نوآوری با اقتصاد تکاملی و ارائه نظریه‌ها و چارچوب‌های مفهومی لازم به غنای بیشتر این حوزه دانشی کمک شایانی کرده است. یکی از مهم‌ترین مفاهیم برخاسته از مطالعات نوآوری مفهوم نظام ملی نوآوری است. این مفهوم را اولین بار فریمن در سال ۱۹۸۷ برای تفسیر موفقیت‌های اقتصادی ژاپن به‌ویژه در بخش‌های دانش‌بنیان معرفی کرد (Martin, 2012). نظام‌های نوآوری چارچوب‌هایی برای فهم فرایند پیچیده نوآوری هستند. فریمن نظام ملی نوآوری را شبکه‌ای از نهادها در بخش‌های عمومی و خصوصی معرفی می‌کند که فعالیت‌ها و تعامل آن‌ها باعث توسعه، ورود، اصلاح و اشاعه فناوری‌های جدید می‌شود (Freeman, 1989). با در نظر گرفتن این فرض که ارتباط بین تحقیقات، فناوری و توسعه صنعتی پیچیده و درهم‌تنیده است و عوامل متعدد اقتصادی، فنی، علمی و انسانی در آن تأثیرگذارند، مفهوم نظام ملی نوآوری به دنبال توضیح سازوکار نوآوری در کشورهای مختلف است (میرعمادی، ۱۳۹۸).

امروزه تمامی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، با درک نقش نوآوری در توسعه و رشد اقتصادی، نظام ملی نوآوری را، که در ابتدا صرفاً به‌عنوان ابزاری تحلیلی مطرح شده بود، به‌منزله چارچوبی جامع برای تحریک سیاست‌های نوآوری پذیرفته‌اند. نکته جالب‌توجه در این میان تفاوت در ماهیت و عملکرد نظام ملی نوآوری در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است. نظام ملی نوآوری در کشورهای توسعه‌یافته عمدتاً در بستری تاریخی و به‌تدریج شکل گرفته است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه اغلب تحت طراحی و برنامه‌ریزی قرار گرفته و با استفاده از مزیت عقب‌ماندگی این کشورها و بهره‌گیری از تجارب کشورهای پیشرفته، سازمان‌های لازم تأسیس و وظایف و روابط آن‌ها تنظیم شده است؛ طبعاً عملکرد این نظام‌ها با نظام‌های مشابه در کشورهای توسعه‌یافته تفاوت دارد (قاضی‌نوری، سیدسپهر و سیدسروش قاضی‌نوری، ۱۳۸۷). برخی محققان تفاوت این نظام‌ها را چنان عمیق می‌دانند که معتقدند نظام تغییرات فنی در کشورهای در حال توسعه را باید نظام ملی یادگیری نامید، نه

بدون تردید یکی از عناصر مهم در هر نظام ملی نوآوری، نظام مالکیت فکری است. قوت نظام مالکیت فکری در کنار عواملی همچون ثبات سیاسی، هزینه‌کرد دولت در آموزش و سرانه تولید ناخالص داخلی از جمله زیرساخت‌های عمومی نوآوری به‌شمار می‌روند (الهی و همکاران، ۱۳۹۴). نظام مالکیت فکری معمولاً به‌منزله بخشی از خرده‌نظام سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات در نظام ملی نوآوری مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال، در تحلیل نظام ملی نوآوری برزیل، چهار دسته خرده‌نظام شامل تولید و نوآوری، آموزش و تحقیق، تأمین مالی دولتی و خصوصی، و سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات در نظر گرفته شده و مقوله مالکیت فکری ذیل دسته آخر تحلیل شده است (Mazzucato and Penna, 2016). اما، با توجه به غیربسیط بودن زیرساخت مالکیت فکری و استوار بودن آن بر نهادها و ارتباطات پیچیده بین آن‌ها، در تعداد چشمگیری از پژوهش‌ها از آن به نظام مالکیت فکری تعبیر شده است. البته بحث درباره اینکه آیا نظام مالکیت فکری خرده‌نظامی مستقل درون نظام ملی نوآوری است یا خیر به برداشت محدود یا گسترده از نظام ملی نوآوری و تعریف دقیق مرز نظام بازمی‌گردد که در این مقاله قصد پرداختن به آن را نداریم. آنچه مسلم است، نظام مالکیت فکری ابزار بالقوه قدرتمندی برای سیاست‌های نوآوری در همه کشورها با هر سطحی از توسعه به‌شمار می‌آید. با این حال، به‌علت پیچیدگی‌های موضوع، در مطالعات موجود در زمینه نظام مالکیت فکری اغلب بر جنبه‌های حقوقی و فرایندی تمرکز شده و توجه چندانی به جنبه نوآوری نشده است. گذشته از این، موفقیت کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه مرهون ارتباطات متقابل نظام مالکیت فکری و سیاست‌های نوآوری در این کشورهاست. مطالعه مالکیت فکری در هر کشور باید مبتنی بر ملاحظات توسعه‌ای آن کشور باشد؛ شرایطی که آشکار و پنهان بر نوآوری در این کشورها تأثیرگذار است (OECD, 2014).

هدف از این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر تعامل مناسب بین نظام مالکیت فکری و نظام ملی نوآوری با در نظر گرفتن اقتضانات زمینه‌ای کشورهای در حال توسعه و ارائه توصیه‌های سیاستی برای انطباق هرچه بیشتر این دو نظام است. به همین منظور، ضمن مروری بر ویژگی‌های نظام ملی نوآوری در کشورهای در حال توسعه، به چالش‌های موجود در نظام ملی نوآوری در این کشورها و تأثیر آن در نظام مالکیت فکری پرداخته شده است. بخش بعدی مقاله به تشریح نگاهت نظام مالکیت فکری و تأثیر آن بر نوآوری در کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد. سپس، بر اساس مطالعات موجود و بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی، مؤلفه‌های نظام مالکیت فکری در ایران تبیین شده است. در ادامه، روش تحقیق به‌کاررفته برای هدایت این پژوهش به تفصیل توضیح داده شده و در نهایت یافته‌های تحقیق ارائه شده و نتایج مورد بحث قرار گرفته است.

نظام به تصویر کشیده شده است. این نگاهت مشتمل بر مفاهیم، سازوکارها، کنش‌گران و تمهیدات سیاستی است که باید در یک نظام مالکیت فکری مورد توجه قرار گیرند. این نگاهت مفهومی که سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و بانک جهانی مشترکاً آن را ارائه کرده‌اند، چارچوب مناسبی را برای بررسی ارتباط بین نظام ملی نوآوری و نظام مالکیت فکری فراهم می‌آورد. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از این چارچوب برای تحلیل نظام مالکیت فکری کلمبیا و اندونزی استفاده کرده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بخش‌های مختلفی در این نگاهت وجود دارد که بر دو بعد اصلی نوآوری و مالکیت فکری مؤثرند. این دو بعد در واقع انواع مالکیت فکری و منطق استفاده از مالکیت فکری برای ترویج نوآوری است. در ادامه، بخش‌های مختلف این نگاهت به‌طور مختصر شرح داده می‌شود.

۱-۲. سیاست‌های مالکیت فکری

ارتباط سیاست‌های مالکیت فکری و سیاست‌های نوآوری یکی از مسائل اساسی در هر کشور است. عمده‌ترین مباحث در این خصوص عبارت است از چگونگی حاکمیت نظام مالکیت فکری، مشخصه‌های سیاست‌های مالکیت فکری در قیاس با سایر سیاست‌ها و طراحی سیاست‌ها (شامل اولویت‌گذاری، سازگاری و مصالحه). با توجه به برهم‌کنش و تأثیرات متقابل سیاست‌های گوناگون در چارچوب نظام ملی نوآوری (میرعمادی، ۱۳۹۸)، هم‌راستایی و هم‌افزایی سیاست‌های مالکیت فکری و سیاست‌های نوآوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲-۲. سازمان نظام مالکیت فکری

عناصر اصلی این بخش عبارت است از مجموعه مقررات حقوقی در خصوص مالکیت فکری (برای مثال، قانون ثبت اختراع)، عملیات و رویه‌های نظام مالکیت فکری، شرایط اجرای حقوق مالکیت فکری، توافق‌نامه‌های بین‌المللی در خصوص مالکیت فکری که کشور به آن‌ها متعهد شده است، مهارت‌ها و آموزش‌های مربوط به مالکیت فکری (چه دولت و چه کاربران). این مجموعه عوامل تعیین‌کننده «کیفیت قانونی» نظام مالکیت فکری و در واقع تضمین‌کننده مالکیت حقوق فکری است.

۳-۲. انتشار و بازار مالکیت فکری

این بخش شامل مجموعه عواملی است که تأثیرات و خروجی‌های مالکیت فکری را شکل می‌دهند. کیفیت رقابت، شرایط واگذاری حق امتیاز و بازار مالکیت فکری، چگونگی کسب اعتبار و تأمین مالی برای مالکیت فکری و مباحث مربوط به نوآوری باز از جمله عوامل تعیین‌کننده در این بخش است.

نظام ملی نوآوری؛ چراکه راهبرد فناورانه در این کشورها مبتنی بر یادگیری (مولد یا منفعل) است، نه نوآوری؛ همچنین قابلیت‌های فناورانه ایجادشدنی در چارچوب این نظام، مبتنی بر ارتقا در قابلیت بهبود محصولات و قابلیت تولید است، نه قابلیت نوآوری (Viotti, 2002). مطالعات انجام‌شده در خصوص نظام ملی نوآوری در کشورهای در حال توسعه به سمت بررسی تجربه همپایی و توسعه این کشورها پیش رفته است؛ به نحوی که دغدغه اصلی این پژوهش‌ها این بوده که اصولاً چه نوع نظام ملی نوآوری و نهادهای درون آن (برای مثال، مالکیت فکری) ممکن است به همپایی منجر شوند (میرعمادی، ۱۳۹۸).

نظام ملی نوآوری، به‌منزله نظامی جامع که کارکرد اصلی آن تولید، اشاعه و به‌کارگیری دانش و نوآوری است (قاضی‌نوری، سیدسپهر و سیدسروش قاضی‌نوری، ۱۳۹۱)، خود متشکل از خرده‌نظام‌ها، نهادها و سازمان‌هایی است که با یکدیگر در ارتباط‌اند. یکی از این خرده‌نظام‌ها، نظام ملی مالکیت فکری است. نظام مالکیت فکری کارآمد باید با برقراری تعادل میان هدف‌ها و محدودیت‌های موجود - در لایه‌های حقوقی و اقتصادی - میان کنش‌گران مختلف مصالحه برقرار کند. زمانی نظام مالکیت فکری بیشترین تأثیر را در نظام ملی نوآوری خواهد داشت که چالش‌های پیش روی افراد و شرکت‌های نوآور را در ملاحظات سیاستی خود مدنظر قرار دهد. در غیر این صورت، تأثیرات مثبت نظام مالکیت فکری بر نوآوری کاهش خواهد یافت یا به‌کلی از بین خواهد رفت.

در کشورهای در حال توسعه، چالش‌های نظام ملی نوآوری تأثیرات متقابلی را بر نظام مالکیت فکری تحمیل خواهد کرد؛ بنابراین لازم است سیاست‌های مناسبی به‌منظور غلبه بر این چالش‌ها اتخاذ شود. با توجه به بروز برخی از چالش‌های مشترک در کشورهای در حال توسعه، می‌توان یکسری دلالت‌های سیاستی عمومی را پیشنهاد داد. این پیشنهادها بر مبنای مطالعات OECD در جدول ۱ فهرست شده است. البته، متأثر از اقتضانات مختلف، سیاست‌های مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه نیز با یکدیگر متفاوت‌اند؛ برای مثال، قابلیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و سطح انتقال بین‌المللی فناوری با سطح توسعه سیاست‌های مالکیت فکری در هر کشور ارتباطی دوسویه دارد (حبیبی و کلانتری، ۱۳۹۶)؛ لذا ارائه پیشنهاد‌های سیاستی خاص مستلزم تجزیه و تحلیل جداگانه اقتضانات زمینه‌ای هر کشور است.

۲. چارچوب کلی نظام ملی مالکیت فکری

نظام مالکیت فکری عبارت است از مجموعه نهادها و قوانینی که در طراحی، به‌کارگیری و اجرای مالکیت فکری در اقتصاد ملی دخیل‌اند (OECD, 2014). در شکل ۱ نگاهی مفهومی از این

جدول ۱: چالش‌های نظام ملی نوآوری در کشورهای درحال توسعه و تأثیرات آن بر نظام مالکیت فکری (OECD, 2014)

دالات‌های سیاستی	تأثیرات بر نظام مالکیت فکری	چالش نظام ملی نوآوری
<ul style="list-style-type: none"> سیاست‌های مالکیت فکری باید کنش‌گران مختلف را مدنظر قرار دهد و به ایشان برای مشارکت در سیاست‌گذاری اطمینان دهد. پاسخ‌گویی و شفافیت سیاست‌گذاران نظام مالکیت فکری به کاهش غلبه کنش‌گران قدرتمند در فرایند تصمیم‌گیری سیاستی کمک خواهد کرد. سیاست رقابت باید این اطمینان را ایجاد کند که تمام شرکت‌ها از مشوق‌های لازم برای نوآوری برخوردارند. سیاست‌های مالکیت فکری باید به صراحت بر انواعی از مالکیت فکری متمرکز شود که به بخش‌های پیشرو به بهترین وجه خدمت می‌کنند. 	<ul style="list-style-type: none"> بخش‌های مختلف مطالبات متنوعی از نظام مالکیت فکری دارند. فشارهای سیاسی ممکن است سیاست‌های مالکیت فکری را به‌نحوی تحت تأثیر قرار دهد که در خدمت همه بخش‌ها نباشد. انواع خاصی از مالکیت فکری برای بخش‌های مختلف اهمیت خواهد یافت. 	<ul style="list-style-type: none"> وجود نابرابری در بخش تولیدی: بخش‌های پیش‌تاز اندک در کنار شرکت‌های با بهره‌وری پایین و بخش عمده‌ای از بخش غیررسمی رقابت پایین امکان بروز تضاد در اثر فشارهای سیاسی محدودبودن رشد اقتصادی به بخش‌های معدود (عمدتاً کشاورزی و خدمات و در برخی موارد صنایع مبتنی بر منابع)
<ul style="list-style-type: none"> دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی توانمند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در راهبردهای مالکیت فکری موفق خواهند داشت؛ به همین جهت باید گروه‌های هدف این سیاست‌ها باشند. سیاست‌های مالکیت فکری برای دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به راهبردهای مکمل برای برقراری ارتباط مؤثر با بخش‌های کسب‌وکار و توسعه ظرفیت‌ها برای تجاری‌سازی موفق نیازمندند. کمیبود منابع به محدودشدن بازدهی مالکیت فکری منجر خواهد شد. بنابراین ضروری است سیاست‌های مکمل جبران کمیبود دسترسی به منابع تمهید شود (حمایت از دسترسی به منابع مالی). 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش مالکیت فکری دانشگاه‌ها تأثیر محدودی بر تجاری‌سازی اختراعات دانشگاهی دارد، زیرا بخش تجاری ظرفیت بهره‌برداری از آن‌ها را ندارد. اختراعات دور از دسترس بخش عمده‌ای از شرکت‌ها قرار می‌گیرند، زیرا این شرکت‌ها انگیزه و منابع لازم را برای سرمایه‌گذاری ندارند. 	<ul style="list-style-type: none"> در عین وجود ظرفیت‌های عمده در مراکز تحقیقاتی، توانمندی‌های بخش خصوصی ضعیف است. فرصت‌ها برای همکاری شبکه‌ای دانشگاه - صنعت ضعیف است. ظرفیت بخش خصوصی برای جذب دانش و فناوری از دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و طرف‌های خارجی، به‌علت فقدان دسترسی به مهارت‌ها و منابع، محدود است.
<ul style="list-style-type: none"> لازمه عملکرد مناسب نظام مالکیت فکری اصلاحات نهادی در سطوح مختلف حقوقی و اداری است. اتخاذ سیاست‌های عمومی تأمین مالی برای تأثیر مثبت نظام مالکیت فکری بر نوآوری ضرورت دارد. بهره‌گیری از صرفه‌ناشی از مقیاس در ارائه خدمات (برای مثال، همکاری بین‌المللی برای افزایش بازده فرایند درخواست مالکیت فکری یا راه‌اندازی دفاتر منطقه‌ای انتقال فناوری) ضرورت دارد. 	<ul style="list-style-type: none"> تضمین کیفیت قانونی نظام مالکیت فکری با مشکل روبه‌رو خواهد شد. مرحله اجرا ضعیف خواهد بود، در نتیجه ارزش دراختیارداشتن حق مالکیت فکری کاهش می‌یابد. سیاست‌های مکمل نظام مالکیت فکری نیز ضعیف‌تر شده و با محدودیت‌های بودجه و حکمرانی مواجه است. نظام مالکیت فکری فقط تأثیر ضعیفی بر تأمین مالی نوآوری خواهد داشت، مگر اینکه بر محدودیت‌های نهادی غلبه کند و توسعه بازار محقق شود. 	<ul style="list-style-type: none"> وجود ضعف‌های نهادی و فقدان برخی سازوکارهای نهادی بازارهای داخلی برای تأمین مالی نوآوری و در نتیجه بازار برای تجارت فناوری توسعه نیافته است. نهادهای مکمل مالکیت فکری، همچون دفاتر انتقال فناوری، وجود ندارد و یا ناکاراست. مراجع تنظیم‌کننده رقابت توان کافی برای تنظیم بازار ندارند. دفاتر مالکیت فکری ممکن است محدودیت نیروی انسانی، منابع و بهره‌وری داشته باشند. حکومت با چالش‌های مهمی برای هماهنگی در زمینه سیاست‌های مالکیت فکری و حتی در زمینه سیاست‌های نوآوری مواجه است. چالش‌های بالقوه در خصوص اعتماد به نهادها و فساد آن‌ها وجود دارد.

دلالات‌های سیاستی	تأثیرات بر نظام مالکیت فکری	چالش نظام ملی نوآوری
<p>• تولید دانش و ایجاد مراکز تحقیقاتی باید هدفی پایدار در نظر گرفته شود تا به افزایش استفاده‌کنندگان بالقوه مالکیت فکری منجر شود.</p> <p>• با توجه به محدودیت منابع برای حمایت از نظام ملی نوآوری، نظام مالکیت فکری باید از جذب بیش از اندازه مهندسان با هدف ارزیابی اختراعات اجتناب کند.</p>	<p>• به‌علت کمبود و ضعف ظرفیت‌های تحقیقاتی، ثبت اختراع هدف غایی کنش‌گران به‌شمار نمی‌آید.</p> <p>• زمینه‌های بهره‌برداری از دانش موجود در مالکیت فکری وجود دارد؛ ولی، به‌علت محدودیت در ظرفیت جذب، سرریزهای احتمالی در پایین‌ترین سطح قرار دارد.</p>	<p>• کمبود دانش</p> <p>• مهارت‌های پایه برای نوآوری ضعیف است.</p> <p>• دانش و فناوری خارجی بسیار مهم است؛ ولی، به‌علت ظرفیت جذب محدود، صنایع داخلی از بهره‌گیری از آن‌ها محروم‌اند.</p> <p>• میزان فعالیت‌های علمی و فناورانه کم است.</p>
<p>• سیاست‌های مالکیت فکری به‌تنهایی برای تسهیل نوآوری (به‌ویژه در موارد مواجهه با شکست بازار) کافی نیستند. مکمل‌های سیاستی نقش مهمی در ایجاد فرصت‌ها خواهند داشت.</p> <p>• دفاتر منطقه‌ای مالکیت فکری نقش مهمی در دسترسی به کاربران در مناطق دور ایفا خواهند کرد.</p>	<p>• درحالی‌که مالکیت فکری قابلیت ایجاد انگیزه‌های قوی را دارد، واقعیت این است که انگیزه‌ها فقط برای مخترعانی ایجاد می‌شود که محصولات خود را با موفقیت تجاری‌سازی کرده‌اند. این واقعیت مبین این مطلب است که نظام مالکیت فکری، در صورت نپرداختن به چالش‌ها، فقط انگیزه‌ها را برای کسانی فراهم می‌آورد که کمتر تحت تأثیر شکست‌های بازار قرار می‌گیرند.</p>	<p>• بروز شکست بازار</p> <p>• بازارهای تأمین مالی، به‌ویژه برای نوآوران، بسیار محدود و ضعیف است.</p> <p>• چالش‌های زیرساختی مهمی وجود دارند و این چالش‌ها سبب محدود شدن فعالیت‌های تجاری به‌ویژه برای کسب‌وکارهای کوچک می‌شود. هزینه‌های بالای حمل و نقل حجم بازار را محدود می‌کند.</p>

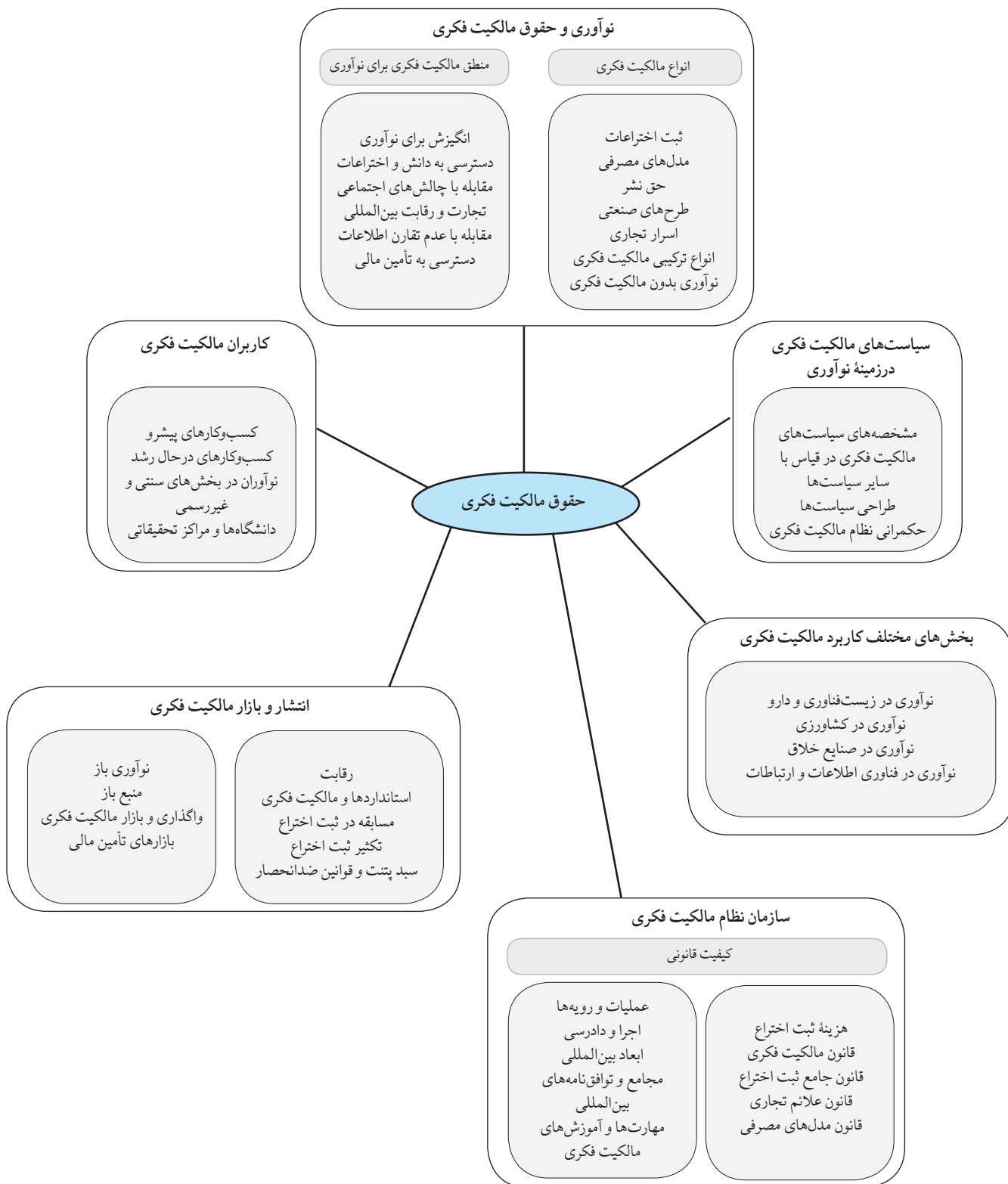
مختلف کاربران گوناگون و نقش آن‌ها در نوآوری ملی توجه کند.

۴-۲. کاربران مالکیت فکری

۵-۲. زمینه‌ها و بخش‌های مختلف کاربرد مالکیت فکری

کارایی مالکیت فکری در پشتیبانی از نوآوری به نوع مالکیت فکری و زمینه فعالیت بستگی زیادی دارد. برای مثال، ثبت اختراع نقش مهمی در صنایع دارویی، شیمیایی، ماشین‌آلات و تجهیزات کامپیوتر دارد و بخش عمده‌ای از اختراعات ثبت شده در امریکا مربوط به این صنایع است (OECD, 2014). درخصوص علائم تجاری، بیشترین تقاضا برای لوازم و تجهیزات صوتی و تصویری وجود دارد. کارایی هر یک از انواع مالکیت فکری (ثبت اختراع، حق نشر و...) نیز متأثر از ویژگی‌های صنایع و بخش‌های گوناگون است. مثلاً ثبت اختراع در صنایعی که تقلید و کپی کردن محصول جدید در آن‌ها آسان است (صنایع شیمیایی و دارویی) نقشی حیاتی در حمایت از نوآوری دارد؛ اما در صنایعی که کپی‌کاری در آن‌ها پرهزینه و دشوار است (صنایع تولیدی سنگین) ثبت اختراع به‌تنهایی عامل کسب منفعت از نوآوری نیست (Lall, 2003). بنابراین نظام مالکیت فکری در کشورهای درحال توسعه، با شناخت بخش‌های پیشرو و دارای مزیت در آن کشور، باید بر

یکی از مسائل اساسی، چگونگی پشتیبانی نظام مالکیت فکری از فعالیت‌های نوآوری و دسترسی کاربران گوناگون مالکیت فکری به دانش در بخش تولید است. کاربران مالکیت فکری، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، عبارت‌اند از کاربران سنتی و غیررسمی، شرکت‌های نوپا، شرکت‌های پیشرو، و دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی. نظام مالکیت فکری در کشورهای درحال توسعه، بر اساس نقشی که هر یک از این کاربران در نظام ملی نوآوری کشور ایفا می‌نمایند و نیازمندی‌های آن‌ها، باید سیاست‌های مناسبی را اتخاذ کند. برای مثال، کاربران سنتی و غیررسمی در کشورهای درحال توسعه از طریق تجمیع دانش‌های بومی می‌توانند نوآوری‌های تدریجی داشته باشند و شغل‌های بسیاری را در این کشورها ایجاد کنند. با این حال، به‌علت ماهیت تدریجی نوآوری‌ها در این زمینه، عمدتاً کیفیت لازم را برای ثبت اختراع ندارند. در عوض، سایر انواع مالکیت فکری همچون علائم جغرافیایی، علائم تجاری و حق نشر در این عرصه کارایی بیشتری دارند. بنابراین، سیاست مالکیت فکری کارآمد باید به نیازهای



شکل ۱: نگاهت تحلیلی نظام مالکیت فکری از منظر نوآوری (OECD, 2014)

ضمن بررسی چهار کارکرد مذکور در نظام ثبت اختراع ایران، با اشاره به ضعف اساسی سه کارکرد اولیه، مهم‌ترین کارکرد این نظام در کشور را ارسال پیام (آن‌هم در سطح فردی) دانسته است (باقری، ۱۳۹۲).

۲-۳. سیاست‌های مالکیت فکری در ایران

تأکید سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران بر ایفای نقش مؤثر مبتنی بر فناوری و نوآوری در منطقه بیانگر توجه مسئولان عالی نظام به این مقوله است. هرچند در این سند راهبردی و بلندمدت اشاره مستقیمی به اهمیت نظام مالکیت فکری نشده است، لزوم طراحی و اجرای نظام جامع مالکیت فکری در چهارمین برنامه پنج‌ساله توسعه، که اولین برنامه پنج‌ساله توسعه در چارچوب چشم‌انداز بیست‌ساله کشور به‌شمار می‌رود، مشهود و امیدوارکننده است. با وجود اینکه به‌نظر می‌رسد سیاست‌های آشکار، به‌ویژه استقرار نظام جامع مالکیت فکری در طول سال‌های اجرای این برنامه (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹)، در این برنامه میان‌مدت محقق نشده، روند توجه به نظام مالکیت فکری با تمهید راهبردهای مشخص و جدید در برنامه‌های پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه ادامه یافته است. میزان توجه به نظام مالکیت فکری و سیاست‌ها و راهبردهای مشخص برای بهبود این نظام در متن اسناد برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در جدول ۲ آورده شده است.

علاوه‌براین، در نقشه جامع علمی کشور به‌منزله سند بالادستی حوزه علم و فناوری، که در سال ۱۳۸۹ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید، توجه قابل ملاحظه‌ای به موضوع مالکیت فکری در دو سطح راهبردها و اقدامات ملی مبذول شده است. در این سند، ذیل راهبرد کلان نخست، به سامان‌دهی نظام مالکیت فکری در حوزه‌های علم و فناوری به‌منزله چهارمین راهبرد ملی اشاره شده و برای تحقق این هدف بر انجام اقداماتی ملی تأکید شده است؛ اقداماتی همچون ثبت و اعتبارسنجی مالکیت فکری در حوزه علم و فناوری در قوه مجریه؛ ایجاد نظام ثبت اختراع امتحانی (اثباتی) در حوزه‌های اولویت‌دار؛ اصلاح و ترمیم و تکمیل نظام پشتیبان ثبت اختراع و اکتشاف از جمله تشکیل دفاتر خصوصی تنظیم و پیگیری حقوقی ثبت اختراع و اکتشاف، دفاتر خصوصی تحلیل اختراع و اکتشاف و مراکز اطلاع‌رسانی فناوری؛ تقویت و سامان‌دهی قوانین و مقررات مالکیت فکری در عرصه مقالات علمی و کتب علمی و پایان‌نامه‌ها و ثبت اختراعات و نرم‌افزارهای فنی و تخصصی؛ تقویت نظام اطلاعات علمی و فناوری کشور و انسجام‌بخشی به آن با مأموریت استانداردها و اصلاح فرایندهای تولید، ثبت، داوری و سنسج و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی یک‌پارچه برای رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی و فناوری، مقالات، مجلات و کتب علمی و اختراعات و اکتشافات پژوهشگران و نیز حمایت از ارائه مقالات معتبر علمی در عرصه بین‌المللی و ثبت اختراعات و اکتشافات (نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹).

انواع مناسبی از مالکیت فکری به‌منظور پشتیبانی از آن فعالیت‌ها تمرکز کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شیلی، پس از تصویب قانون مالکیت فکری در سال ۱۹۹۱، تعداد درخواست ثبت اختراع در سال ۲۰۰۸ به زحمت به مرز ۳۰۰۰ رسیده که به نسبت سایر کشورهای با درآمد متوسط تعداد کمی است؛ در عوض، تعداد درخواست ثبت علامت تجاری در سال ۲۰۱۰ از مرز ۴۴۰۰۰ عبور کرده است؛ این تعداد، به نسبت تولید ناخالص داخلی، کشور شیلی را در رتبه‌های بالای ثبت علائم تجاری قرار داده است. این اتفاق به مزیت نسبی این کشور در زمینه محصولات کشاورزی نسبت داده شده است؛ زیرا عمده درخواست‌های ثبت علامت تجاری در شیلی در زمینه نوشیدنی‌ها و محصولات مرتبط با انواع میوه‌ها بوده است (WIPO, 2013).

۳. نظام مالکیت فکری در ایران

با اینکه اولین اقدام قانونی با هدف حمایت از مالکیت فکری در ایران را می‌توان به تصویب قانون علامات صنعتی و تجاری در مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۴، یعنی حدود ۹۰ سال پیش، نسبت داد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸)، اما مقوله مالکیت فکری در چارچوب نظامی جامع طی دو دهه اخیر به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است. در این سال‌ها که مقارن با رونق‌یافتن رویکردی نظام‌مند به نوآوری در ایران و مطرح‌شدن نظام ملی نوآوری در بین محققان و مسئولان کشور بوده است، منتقدان با انتقاد از سیاست‌ها و قوانین و سازوکارهای نهادی موجود در خصوص مالکیت فکری خواستار بازآرایی در نظام مالکیت فکری در ایران شدند. البته این تلاش‌ها تا حدی با توفیق همراه بوده و این موضوع حداقل به‌عنوان دغدغه‌ای سیاستی در اسناد سیاستی کلان، همچون سند نقشه جامع علمی کشور و اسناد برنامه‌های پنج‌ساله توسعه (به‌ویژه از برنامه چهارم توسعه به بعد)، مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۱. منطق حاکم بر نظام مالکیت فکری در ایران

فلسفه وجودی نظام مالکیت فکری بر مبنای منطق و کارکردهای آن استوار است. پامولی و روسی (2005)، ضمن تأکید بر منطق‌ها و کارکردهای متفاوت مالکیت فکری و تغییر و تکامل آن‌ها در طول تاریخ، چهار کارکرد عمده مالکیت فکری را ایجاد انگیزه برای نوآوری، کارکرد مبادله‌ای (ایجاد بازار فناوری)، افشای اطلاعات و ارسال پیام^۱ دانسته‌اند. سرکیسیان (2008)، ضمن مطالعه وضعیت مالکیت فکری در ایران، معتقد است بیشترین دغدغه مسئولان و تصمیم‌گیران در کشور کارکرد انگیزش برای نوآوری است. این درحالی است که گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،

1. Signaling Function

جدول ۲: توجه به نظام مالکیت فکری در برنامه‌های توسعه‌ای میان‌مدت جمهوری اسلامی ایران

سیاست‌ها و راهبردهای پیشنهادی برای بهبود نظام مالکیت فکری در سند برنامه	میزان توجه به نظام مالکیت فکری در سند برنامه	برنامه‌های پنج‌ساله توسعه
-	-	برنامه اول ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴
-	-	برنامه دوم ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹
-	اشاره به وجود ضعف در نظام مالکیت فکری و ضرورت پرداختن به آن	برنامه سوم ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴
مكلف کردن دولت به طراحی و اجرای نظام جامع مالکیت فکری؛ حمایت مالی برای ثبت اختراع بین‌المللی؛ حمایت از تولیدکنندگان داخلی برای خرید مالکیت فکری ثبت‌شده مخترعان داخلی؛ حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط برای ثبت اختراع	اشاره جدی به وجود نواقص فراوان در نظام مالکیت فکری کشور و ضرورت حل مشکلات در سال‌های اجرایی این برنامه	برنامه چهارم ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹
توجه به ثبت اختراع به‌منزله شاخص توسعه علم و فناوری؛ حمایت مالی برای ثبت اختراع؛ حمایت از شرکت‌ها برای خرید امتیاز اختراعات؛ مکلف کردن سازمان ثبت اسناد به ثبت اختراعات پس از بررسی و تأیید مراجع ذیصلاح؛ حمایت مالی برای ثبت اختراع بین‌المللی؛ واگذاری مالکیت فکری دانش فنی به‌دست‌آمده از محل قرارداد دستگاه‌های اجرایی به دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی طرف قرارداد	اشاره به وجود ضعف در نظام مالکیت و تلاش برای پرداختن به مشکلات موجود	برنامه پنجم ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴
واگذاری مالکیت فکری دانش فنی به‌دست‌آمده از محل قرارداد دستگاه‌های اجرایی به دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی طرف قرارداد؛ توجه به ارتقای شاخص‌های بین‌المللی حقوق مالکیت در میان کشورهای منطقه	محترم‌شمردن حقوق مالکیت و حمایت از آن و تلاش برای بهبود شاخص‌های مربوط	برنامه ششم ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰

۳-۳. ساختار نظام مالکیت فکری در ایران

حکومتی در پی داشت. به‌طور طبیعی، نظام مالکیت فکری در کشور نیز از این تغییرات تأثیر پذیرفت. شاید بتوان نقطه عطف این تأثیر را استقلال قوه قضائیه بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی دانست. تا پیش از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس قانون اساسی مشروطه، وزارت دادگستری به‌منزله عالی‌ترین تشکیلات و وزیر دادگستری در حکم عالی‌ترین مدیر دستگاه قضایی کشور رسمیت داشتند. با وجود حفظ وزارت دادگستری در ساختارهای اداری پس از انقلاب، حدود اختیارات و وظایف آن به‌شدت کاهش یافت (وزارت دادگستری، ۱۳۹۸). مباحث مربوط به مالکیت صنعتی نیز به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور واگذار شد. این دقیقاً همان نکته‌ای است که منتقدان نظام مالکیت فکری در ایران بارها بر آن تأکید داشته و در مصاحبه‌ها و مقالاتشان بر آن تکیه کرده‌اند (گودرزی و باقری، ۱۳۸۲). تلاش‌ها برای بازگرداندن حکمرانی و فرایندهای اجرایی بخش مهمی از مالکیت فکری (نظام ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری) به قوه مجریه تاکنون با موفقیت همراه نبوده است. با تصویب قانون جدید ثبت اختراعات، طرح‌های

به‌نظر می‌رسد بررسی سیر تاریخی قانون‌گذاری در حوزه مالکیت فکری در ایران مدخل مناسبی برای بررسی ساختار و سازوکارهای نهادی نظام مالکیت فکری در ایران باشد. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، روند قانون‌گذاری در حوزه مالکیت فکری در ایران از سال ۱۳۰۴ و با تصویب قانون علامات صنعتی و تجارتي آغاز شد. در این قانون، اجازه ثبت علائم صنعتی و تجارتي به وزارت تجارت محول شده بود. به مرور زمان، با تصویب قوانینی که انواع دیگری از مالکیت فکری را دربر می‌گرفت، سازمان‌های جدیدی به جرگه نهادهای فعال در عرصه مالکیت فکری کشور پیوستند. قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ نقش ویژه‌ای را برای وزارت عدلیه (دادگستری) در نظام مالکیت فکری رقم زد. با تصویب قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، به‌ترتیب در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲، وزارت فرهنگ و هنر نیز به جمع وزارتخانه‌های درگیر در مباحث مالکیت فکری پیوست. وقوع انقلاب اسلامی تغییرات گسترده‌ای را در ساختارهای اداری و

جدول ۳: روند تاریخی قانون‌گذاری در حوزه مالکیت فکری در ایران

سال تصویب	قانون	مرجع تصویب
۱۳۰۴	قانون علامات صنعتی و تجارتي	مجلس شورای ملی
۱۳۰۹	قانون اجازه مبادله قرارداد حمایت تصدیق‌نامه‌های اختراع و علائم صنعتی و تجاری و غیره منعقدہ بین دولتین ایران و آلمان	مجلس شورای ملی
۱۳۱۰	قانون ثبت علائم و اختراعات	مجلس شورای ملی
۱۳۱۱	قانون تجارت	مجلس شورای ملی
۱۳۴۸	قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان	مجلس شورای ملی
۱۳۵۲	قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی	مجلس شورای ملی
۱۳۷۹	قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای	مجلس شورای اسلامی
۱۳۸۲	قانون تجارت الکترونیکی	مجلس شورای اسلامی
۱۳۸۳	قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	مجلس شورای اسلامی
۱۳۸۳	قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی	مجلس شورای اسلامی
۱۳۸۶	قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری	مجلس شورای اسلامی
۱۳۸۹	قانون اصلاح ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸	مجلس شورای اسلامی
۱۳۸۹	سند نقشه جامع علمی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۳۹۱	قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری	مجلس شورای اسلامی
۱۳۹۲	سیاست‌های اجرایی اقدامات ملی مربوط به مالکیت صنعتی از نقشه جامع علمی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۳۹۳	قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری	مجلس شورای اسلامی
۱۳۹۶	قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری	مجلس شورای اسلامی

کشور و نیز عضویت ایران در مجامع و معاهدات بین‌المللی مربوط صورت گرفته است. این روند نشان‌دهنده توجه به نظام مالکیت فکری در کشور است. ولی نکته حائز اهمیت توجه به سازگاری این قوانین با اقتضانات نظام ملی نوآوری در کشور است. همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، نظام ملی نوآوری در کشورهای توسعه‌یافته به تدریج و طی سال‌های متمادی شکل گرفته است؛ طبعاً نظام مالکیت فکری و قوانین و نهادهای مربوط به آن نیز در این کشورها در بستری تاریخی شکل گرفته و ارتباطات آن با دیگر اجزای نظام ملی نوآوری به تدریج برقرار شده است. لذا باید توجه داشت که صرف الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته و تدوین قوانین مشابه ممکن است تضمین‌کننده عملکرد مناسب و مطلوب نظام ملی نوآوری در کشورهای در حال توسعه نباشد.

پس از تبیین ابعاد کلی نظام مالکیت فکری در ایران، در ادامه مقاله، ضمن تبیین روش تحقیق به‌کاررفته، تلاش شده قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای نظام مالکیت فکری در ایران شناسایی و بر اساس آن توصیه‌های سیاستی برای هماهنگی بیشتر نظام مالکیت فکری با نظام ملی نوآوری در کشور ارائه شود.

صنعتی و علائم تجاری در سال ۱۳۸۶ و تمدید آن تا سال ۱۳۹۸، این‌گونه به نظر می‌رسد که قوه مقننه تمایل چندانی به یک‌پارچگی نظام مالکیت فکری در قوه مجریه ندارد. البته منتقدان تلاش‌های خود را از مسیرهای دیگر ادامه داده‌اند. ثمره این تلاش‌ها در نقشه جامع علمی کشور مشهود است. در نقشه جامع علمی کشور که در سال ۱۳۸۹ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده و با توجه به وجاهت قانون‌گذاری این شورا در حوزه‌های مرتبط، صراحتاً به ثبت و اعتبارسنجی مالکیت فکری در قوه مجریه اشاره شده است (نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹).

در جدول ۴، سیر تاریخی عضویت ایران در مجامع و معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری نشان داده شده است. اطلاعات مربوط به کشورهای مختلف در این زمینه را سازمان جهانی مالکیت فکری در سامانه‌ای تحت عنوان وایپولکس^۱ گردآوری و گزارش می‌کند (WIPO, 2018). همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، طی سال‌های اخیر، تلاش‌های گسترده‌ای برای تصویب قوانین لازم در حوزه مالکیت فکری در

1. WIPO Lex

جدول ۴: روند تاریخی عضویت ایران در مجامع و معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری

سال تصویب	قانون	مرجع تصویب
۱۳۳۷	قانون اجازه الحاق دولت ایران به اتحادیه عمومی بین‌المللی معروف به پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی و تجارتي و کشاورزی	مجلس شورای ملی
۱۳۷۷	قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به اصلاحات به عمل آمده در کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی	مجلس شورای اسلامی
۱۳۸۰	قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی	مجلس شورای اسلامی
۱۳۸۲	قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی علائم و پروتکل مربوط به آن	مجلس شورای اسلامی
۱۳۸۳	قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه لیسبون در مورد حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین‌المللی آن‌ها	مجلس شورای اسلامی
۱۳۸۶	قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده همکاری در ثبت اختراعات	مجلس شورای اسلامی
۱۳۹۶	قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه لوکارنو برای طبقه‌بندی بین‌المللی طرح‌های صنعتی	مجلس شورای اسلامی
۱۳۹۶	قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه نیس برای طبقه‌بندی بین‌المللی کالاها و خدمات با هدف ثبت علامات	مجلس شورای اسلامی

۴. روش تحقیق

این پژوهش از نظر نتیجه کاربردی و از منظر هدف اکتشافی است؛ زیرا به دنبال کشف ویژگی‌های نظام ملی مالکیت فکری در ایران بر اساس اقتضانات زمینه‌ای آن است. از آنجا که دغدغه اصلی در این مقاله پرداختن به نظام مالکیت فکری در چارچوب نظام ملی نوآوری است، از روش تحلیل سوات برای تحلیل داده‌ها و استخراج راهبردهای مناسب استفاده شده است. این ابزار امکان تحلیل درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و محیطی (فرصت‌ها و تهدیدها) را برای نظام مالکیت فکری به خوبی فراهم می‌سازد. تحلیل سوات عموماً برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تدوین راهبرد به کار برده می‌شود و با اینکه در ابتدا به‌منزله ابزاری تحلیلی در سطح بنگاه به خدمت گرفته شده، استفاده از آن در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ملی نیز گسترش یافته است (Ghazinoory et al., 2011). در مطالعات بین‌المللی، از این روش برای تحلیل نظام ملی نوآوری کشور استونی (Hernesniemi, 2000) استفاده شده است. در پژوهش‌های داخلی نیز، سیدسپهر قاضی‌نوری و سیدسروش قاضی‌نوری (۱۳۸۷) نظام ملی نوآوری ایران را به روش مشابهی تحلیل و توصیه‌های سیاستی را ارائه کرده‌اند؛ در این مقاله، با الگوبرداری از پروتکل پیشنهادی ایشان، مراحل متوالی زیر برای تحلیل سوات نظام مالکیت فکری در ایران طرح‌ریزی و اجرا شده است.

این پژوهش از نظر نتیجه کاربردی و از منظر هدف اکتشافی است؛ زیرا به دنبال کشف ویژگی‌های نظام ملی مالکیت فکری در ایران بر اساس اقتضانات زمینه‌ای آن است. از آنجا که دغدغه اصلی در این مقاله پرداختن به نظام مالکیت فکری در چارچوب نظام ملی نوآوری است، از روش تحلیل سوات برای تحلیل داده‌ها و استخراج راهبردهای مناسب استفاده شده است. این ابزار امکان تحلیل درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و محیطی (فرصت‌ها و تهدیدها) را برای نظام مالکیت فکری به خوبی فراهم می‌سازد. تحلیل سوات عموماً برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تدوین راهبرد به کار برده می‌شود و با اینکه در ابتدا به‌منزله ابزاری تحلیلی در سطح بنگاه به خدمت گرفته شده، استفاده از آن در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ملی نیز گسترش یافته است (Ghazinoory et al., 2011). در مطالعات بین‌المللی، از این روش برای تحلیل نظام ملی نوآوری کشور استونی (Hernesniemi, 2000) استفاده شده است. در پژوهش‌های داخلی نیز، سیدسپهر قاضی‌نوری و سیدسروش قاضی‌نوری (۱۳۸۷) نظام ملی نوآوری ایران را به روش مشابهی تحلیل و توصیه‌های سیاستی را ارائه کرده‌اند؛ در این مقاله، با الگوبرداری از پروتکل پیشنهادی ایشان، مراحل متوالی زیر برای تحلیل سوات نظام مالکیت فکری در ایران طرح‌ریزی و اجرا شده است.

مشمول بر ۳۷ سؤال است که فهرست اولیه سؤالات بر اساس مطالعات اکتشافی و عمدتاً بر اساس چارچوب مفهومی پیشنهادی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD, 2014) تهیه شده است. سپس این فهرست اولیه، بر مبنای مصاحبه و هم‌فکری با چند تن از صاحب‌نظران و خبرگان نظام مالکیت فکری، بر اساس اقتضانات ایران بومی‌سازی شده است. مرز تحلیل در این پژوهش چارچوب نظام مالکیت فکری است. به عبارتی اقتضانات نظام ملی نوآوری به‌منزله محیط در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب روایی سؤالات پرسش‌نامه تضمین شده و پایایی پرسش‌نامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ (۰/۸۶) سنجیده و تأیید شده است. سؤالات در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای «بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم» طراحی شده و از پاسخ‌دهندگان درباره شدت تأثیر هر یک از عوامل نظرخواهی شده است.

جامعه آماری این تحقیق دربرگیرنده فعالان و صاحب‌نظران حوزه مالکیت فکری در ایران است. با توجه به محدود بودن کارشناسان و صاحب‌نظران در این حوزه، پرسش‌نامه‌ها به صورت هدفمند برای تعدادی از کارشناسان و صاحب‌نظران دستگاه‌های ذی‌ربط همچون معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، مرکز همکاری‌های فناوری و نوآوری ریاست جمهوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، پژوهشکده مطالعات فناوری،

این پژوهش از نظر نتیجه کاربردی و از منظر هدف اکتشافی است؛ زیرا به دنبال کشف ویژگی‌های نظام ملی مالکیت فکری در ایران بر اساس اقتضانات زمینه‌ای آن است. از آنجا که دغدغه اصلی در این مقاله پرداختن به نظام مالکیت فکری در چارچوب نظام ملی نوآوری است، از روش تحلیل سوات برای تحلیل داده‌ها و استخراج راهبردهای مناسب استفاده شده است. این ابزار امکان تحلیل درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و محیطی (فرصت‌ها و تهدیدها) را برای نظام مالکیت فکری به خوبی فراهم می‌سازد. تحلیل سوات عموماً برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تدوین راهبرد به کار برده می‌شود و با اینکه در ابتدا به‌منزله ابزاری تحلیلی در سطح بنگاه به خدمت گرفته شده، استفاده از آن در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ملی نیز گسترش یافته است (Ghazinoory et al., 2011). در مطالعات بین‌المللی، از این روش برای تحلیل نظام ملی نوآوری کشور استونی (Hernesniemi, 2000) استفاده شده است. در پژوهش‌های داخلی نیز، سیدسپهر قاضی‌نوری و سیدسروش قاضی‌نوری (۱۳۸۷) نظام ملی نوآوری ایران را به روش مشابهی تحلیل و توصیه‌های سیاستی را ارائه کرده‌اند؛ در این مقاله، با الگوبرداری از پروتکل پیشنهادی ایشان، مراحل متوالی زیر برای تحلیل سوات نظام مالکیت فکری در ایران طرح‌ریزی و اجرا شده است.

ابزار گردآوری داده‌های پژوهش پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای

فرصت‌ها (O):^۱

۱. پشتیبانی اسناد و سیاست‌های کلان کشور از سیاست‌های مالکیت فکری در راستای نوآوری؛
۲. توسعه زیرساخت‌های پژوهشی و تحقیقاتی کشور؛
۳. برخورداری از محققان و پژوهشگران مستعد و بانگیزه؛
۴. توجه به فناوری‌های نوین و ظهور در کشور که از قابلیت ثبت مالکیت فکری بالایی برخوردارند؛
۵. توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و امکان تبادل سریع و ارزان اطلاعات.

تهدیدها (T):^۲

۱. غلبه رویکرد حقوقی و قضایی به مقوله مالکیت فکری در ایران، به جای در نظر گرفتن آن به منزله بخشی مهم از نظام ملی نوآوری؛
۲. مستقل بودن بخش مهمی از نظام مالکیت فکری از نظام ملی نوآوری (قوة قضائیه/ قوه مجریه)؛
۳. وجود شکاف عمیق فناوری بین ایران و کشورهای پیشرفته و اتکای صنایع داخلی به فناوری‌های وارداتی؛
۴. وجود ضعف‌های ساختاری، به ویژه ضعف ارتباط دانشگاه و صنعت؛
۵. کم‌توانی بخش خصوصی در تحقیق، توسعه و نوآوری.

- در ادامه، به منظور ارائه راهبردها و توصیه‌های سیاستی مناسب، از طریق ماتریس سوات قوت‌ها و ضعف‌ها با فرصت‌ها و تهدیدها تلفیق شده و موارد زیر استخراج و پیشنهاد شده است:

۱. ایجاد سازمان مالکیت فکری به صورت متمرکز درون قوه مجریه، برای هماهنگی سیاست‌ها و رویه‌های مالکیت فکری با نظام ملی نوآوری (O1, T1, T2)؛
۲. بازنگری در قوانین مالکیت فکری به منظور ارتقای کیفی و پشتیبانی از سیاست‌های نوآوری (O1, W3)؛
۳. تخصیص اعتبار و منابع کافی به سازمان‌های متولی مالکیت فکری با هدف تقویت بنیه انسانی و سازمانی (O1, W1, W2, W4)؛
۴. تأسیس دفاتر منطقه‌ای مالکیت فکری برای تسهیل فرایند درخواست و ثبت مالکیت فکری (S1, S2, O2, O3)؛
۵. بازنگری در آیین‌نامه‌ها و مقررات ارتقای محققان و پژوهشگران با هدف تشویق برای ثبت اختراع (W5, W7, O2, O3)؛

صندوق نوآوری و شکوفایی و استادان دانشگاهی صاحب‌نظر در حوزه مالکیت فکری ارسال شد. در مجموع، از ۵۹ پرسش‌نامه ارسال شده، ۴۲ پرسش‌نامه بازگردانده و در تجزیه و تحلیل‌ها به کار گرفته شد. به عبارت دیگر، نرخ بازگشت پرسش‌نامه‌ها ۷۱ درصد بوده است.

در ادامه، برای کمی‌سازی پاسخ‌ها، به گزینه‌های «بسیار کم» تا «بسیار زیاد» اعداد ۱ تا ۵ اختصاص داده شده و میانگین پاسخ‌های ثبت شده برای هر سؤال محاسبه شده است. در ضمن، دامنه پاسخ هر سؤال نیز ثبت شده تا نشان‌دهنده پراکندگی و اعتبار هر سؤال باشد. در نهایت، برای هر دسته از عوامل، میانگین مربوط محاسبه و عواملی که امتیازشان کمتر از میانگین بود حذف شد. براین اساس، فهرست قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای نظام مالکیت فکری در ایران استخراج و در بخش بعدی گزارش شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

مطابق با رویه تشریح شده در بخش قبل، سه عامل ذیل نقاط قوت، هفت عامل ذیل نقاط ضعف، پنج عامل ذیل فرصت‌ها و پنج عامل ذیل تهدیدهای مربوط به نظام مالکیت فکری در ایران به شرح زیر احصا شده است:

قوت‌ها (S):

۱. هزینه‌های نسبتاً پایین ثبت اختراع و مالکیت فکری در کشور؛
۲. فرایندها و رویه‌های اجرایی نسبتاً روان برای ثبت مالکیت فکری در کشور؛
۳. عضویت کشور در شماری از مجامع و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مالکیت فکری.

ضعف‌ها (W):

۱. پایین بودن کیفیت ارزیابی و ممیزی درخواست‌های ثبت مالکیت فکری؛
۲. دشوار بودن فرایندهای دادرسی و پیگیری نقض حقوق مالکیت فکری؛
۳. پایین بودن کیفیت قوانین موجود مالکیت فکری؛
۴. ناکافی بودن آموزش و مهارت‌های موجود در ساختار اجرایی حقوق مالکیت فکری؛
۵. پایین بودن آگاهی کاربران مالکیت فکری (دانشگاه‌ها، محققان، شرکت‌ها و...)
۶. ناکارآمدی بازار مالکیت فکری و واگذاری حق امتیاز در کشور؛
۷. رقابت اندک در بازار مالکیت فکری در ایران.

1. Opportunities

2. Threats

توصیه سیاستی برای ارتقای نظام مالکیت فکری به دست آمده که درباره آن مختصراً بحث می‌شود:

همان‌طور که اشاره شد، سازمان مالکیت فکری در ایران از دیرباز در قوه قضائیه جانمایی شده است؛ حال آنکه عمده بخش‌های سیاست‌گذار کلان در حوزه علم، فناوری و نوآوری در دولت قرار دارد. صاحب‌نظران مالکیت فکری در کشور همواره این موضوع را چالشی در این زمینه دانسته‌اند. با وجود تصریح نقشه جامع علمی کشور مبنی بر انتقال سازمان متولی اداره مالکیت فکری به قوه مجریه، تاکنون اقدامی عملی در این خصوص صورت نگرفته است. اگرچه این توصیه سیاستی پیش‌تر مدنظر سیاست‌گذاران قرار گرفته، مسئله مهم نحوه اجرایی‌سازی آن است. با توجه به جایگاه حاکمیتی و فراقوه‌ای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به نظر می‌رسد این نهاد رسالت مهمی در اجرای این اقدام ملی برعهده دارد. اگرچه بررسی سیر قانون‌گذاری در ایران در حوزه مالکیت فکری چشم‌انداز امیدبخشی از نقش قوه مقننه در این زمینه را نشان می‌دهد، با توجه به تحولات و پویایی‌های این عرصه، بازنگری و اصلاح قوانین موجود و نیز تصویب قوانین جدید موردنیاز از جمله مطالباتی است که از مجلس شورای اسلامی انتظار می‌رود. البته نقش مرکز پژوهش‌های مجلس، به‌منزله بازوی فکری و مشورتی قوه مقننه، بسیار مهم است. تخصیص اعتبار و منابع کافی به سازمان‌های متولی مالکیت فکری، با هدف تقویت بنیه انسانی و سازمانی، سومین توصیه سیاستی از یافته‌های این تحقیق است که بر آن تأکید شده است. بدون تردید، اهداف هر برنامه و سیاستی بدون برخورداری از سازمان‌افزار و انسان‌افزار مناسب تحقق نخواهد یافت. مقوله مالکیت فکری نیز از این امر مستثنا نیست. بنابراین شایسته است، علاوه بر تصریح بر اهمیت موضوع مالکیت فکری در اسناد و گفتمان‌های سیاستی در کشور، منابع لازم برای تقویت بنیه سازمانی و انسانی موردنیاز آن نیز تخصیص یابد. نکته حائز اهمیت در این باره ضرورت رویکرد سرمایه‌گذاری به‌جای رویکرد هزینه‌ای به مقوله تخصیص منابع مالی لازم برای نظام مالکیت فکری در کشور است. چراکه قوت نظام مالکیت فکری در کشور متضمن ارتقای نوآوری و به تبع آن عواید مالی برای فناوران و نوآوران خواهد بود. با توجه به گستره وسیع جغرافیایی کشور و با عنایت به تجارب موفق بین‌المللی، شکل‌گیری دفاتر منطقه‌ای مالکیت فکری نقش مهمی در تسهیل دسترسی نوآوران به استفاده از این زیرساخت خواهد داشت.

محققان و پژوهشگران دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی از کاربران مهم مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌روند. با این حال، به‌علت فقدان توجه کافی به مقوله مالکیت فکری در آیین‌نامه‌های ارتقا، انگیزه چندانی در میان محققان ایرانی در این زمینه مشاهده نمی‌شود. لذا بازنگری و اصلاح آیین‌نامه‌های مربوط با هدف تشویق ثبت اختراع از دیگر پیشنهادها سیاستی

۶. شناسایی بخش‌های صنعتی که بیشترین قابلیت خلق ارزش از طریق مالکیت فکری در ایران را دارند و توجه ویژه به این بخش‌ها در نظام مالکیت فکری (T3, O3, O4, W6)؛

۷. شناسایی نیازهای کاربران مالکیت فکری (دانشگاه‌ها، شرکت‌های در حال رشد و...) و تمهید سیاست‌های لازم برای ترغیب به نوآوری با توجه به نیازهای هر بخش (O4, T4, T5, W5)؛

۸. توجه بیشتر به انواع دیگر مالکیت فکری، علاوه بر ثبت اختراع، با توجه به ماهیت بخش‌های مختلف تجاری (O4, T3, T5, W5)؛

۹. ایجاد مراکز مشاوره مالکیت فکری، به‌ویژه در مناطق با پتانسیل بالای ثبت مالکیت فکری نظیر پارک‌های فناوری و مراکز رشد (W5, W7, O2, O3, T4)؛

۱۰. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای تسهیل فرایند درخواست، ممیزی، ثبت و دادرسی مالکیت فکری (S2, W1, W2, O5)؛

۱۱. آگاهی‌بخشی عمومی و تخصصی از مزایای مالکیت فکری و نقش مهم آن در رقابت‌پذیری و نوآوری (W5, O1, O5)؛

۱۲. حمایت از شکل‌گیری بورس مالکیت فکری به‌منظور تبادل مالکیت فکری و افزایش رقابت (W6, W7, T4)؛

۱۳. استفاده از تجارب بین‌المللی به‌منظور ارتقای کارایی نظام مالکیت فکری (S3, W1, W4, O3)؛

۱۴. تمهید سیاست‌هایی در چارچوب نظام ملی نوآوری برای پشتیبانی از نظام مالکیت فکری، با تمرکز ویژه بر تجاری‌سازی اختراعات (W6, O1, T1, T4).

بحث و نتیجه‌گیری

طی سال‌های گذشته، کشورهای در حال توسعه توجه ویژه‌ای به شکل‌دهی و تقویت نظام ملی نوآوری داشته‌اند. بدون تردید، یکی از اجزای اساسی نظام ملی نوآوری نظام مالکیت فکری است. سیاست تقویت نظام مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه ابزاری برای بسترسازی، پشتیبانی، تشویق و خلق علم، فناوری و نوآوری است و زمینه همپایی فناورانه در این کشورها را فراهم می‌آورد (حبیبی و کلانتری، ۱۳۹۶). در ایران نیز، طی سال‌های اخیر، تلاش‌هایی به‌منظور ترمیم نظام مالکیت فکری در چارچوب نظام ملی نوآوری صورت گرفته است. اما به‌نظر می‌رسد این تلاش‌ها تاکنون نتیجه مطلوب و موردانتظار را در پی نداشته و کماکان کارایی نظام مالکیت فکری در نظام ملی نوآوری با کاستی‌هایی مواجه است. بر اساس روش تحقیق مدنظر برای هدایت این پژوهش، ضمن واکاوی ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای نظام مالکیت فکری در ایران، چهارده راهبرد یا

ارزشمند بین‌المللی نیست؛ لذا بهتر است در طراحی و اجرای سیاست‌های مرتبط با حوزه مالکیت فکری تجارب مشابه بین‌المللی در نظر گرفته شود. آخرین توصیه سیاستی این است که سیاست‌های تمهید شده در چارچوب نظام ملی نوآوری باید متضمن خلق و کسب ارزش از مالکیت فکری باشد؛ چراکه انواع سازوکارهای ثبت و حفاظت از مالکیت فکری به خودی خود ارزش چندانی برای نوآوری در سطح ملی ندارند و زمانی کارکرد غایی نظام مالکیت فکری تحقق خواهد یافت که به تجاری‌سازی موفق بینجامد یا در قالب‌های مختلفی واگذار شود و برای صاحبان آن ارزش بیافریند.

در این مقاله تلاش شده تا جنبه‌هایی از نظام مالکیت فکری مطلوب که برای پشتیبانی از سیاست‌های نوآوری ضروری است، با نگاهی ویژه به کشورهای در حال توسعه، تبیین شود. تناسب نظام مالکیت فکری با ظرفیت‌های نوآوری، ضرورت توجه به انواع مالکیت فکری، توجه به نیازهای کاربران متفاوت مالکیت فکری، اقتضات بخش‌های گوناگون تولیدی در خصوص مالکیت فکری، سازمان نظام مالکیت فکری و شکل‌گیری بازار مالکیت فکری از مهم‌ترین جنبه‌هایی هستند که در طراحی نظام مالکیت فکری کارآمد در چارچوب نظام ملی نوآوری باید مدنظر قرار گیرند. توصیه‌های سیاستی فوق، که با هدف ارتقای نظام مالکیت فکری برای انطباق بیشتر با نظام ملی نوآوری در ایران ارائه شده، در برخی موارد کلی و در چارچوب محدودیت‌های این تحقیق است. ارائه پیشنهادها سیاستی دقیق‌تر نیازمند انجام مطالعات کامل‌تری است.

منابع

الهی، شعبان، کلاتری، نادیا، آذر، عادل و حسن‌زاده، محمد (۱۳۹۴). «رابطه میان زیرساخت‌های رایج نوآوری، ظرفیت جذب و عملکرد نوآورانه در سطح ملی». مدیریت نوآوری، دوره ۴، شماره ۴، ص ۱-۳۰.

باقری، سیدکامران (۱۳۹۲). بررسی عملکرد نظام ثبت اختراع در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

حبیبی، سعید و کلاتری، اسماعیل (۱۳۹۶). «بررسی نقش سیاست حقوق مالکیت فکری در همپایی فناوری‌های کشورهای در حال توسعه». سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۲، ص ۱۳۵-۱۵۲.

سوزنجی کاشانی، ابراهیم (۱۳۹۷). «تأملی بر شکل‌گیری، توسعه و کاربرد مفهوم سیستم ملی نوآوری». سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۸، شماره ۲، ص ۵-۱۶.

قاضی‌نوری، سیدسپهر و قاضی‌نوری، سیدسروش (۱۳۸۷). «استخراج راهکارهای اصلاح نظام ملی نوآوری ایران با تکیه بر مطالعه تطبیقی کشورهای منتخب». سیاست علم و فناوری، دوره ۱، شماره ۱، ص ۶۴-۸۰.

قاضی‌نوری، سیدسپهر و قاضی‌نوری، سیدسروش (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت

قابل ارائه برای ارتقای نظام مالکیت فکری به‌شمار می‌آید. البته این مهم نیز تا حدی در نقشه جامع علمی مدنظر قرار گرفته و همانند برخی دیگر از سیاست‌های قبلی، بیشتر منتظر اجرای موفقیت‌آمیز است. علاوه بر این، با توجه به ساختار اقتصادی کشور ضرورت دارد، ضمن احصای بخش‌های مهم و اولویت‌دار، سیاست‌های مالکیت فکری متناسب با بخش‌های مختلف اقتصادی طراحی و اجرا شود.

یکی دیگر از ضرورت‌های بنیادین برای تقویت نظام مالکیت فکری در کشور توجه به نیاز کاربران متفاوت مالکیت فکری است. برای مثال، در پیش‌گرفتن سیاست‌ها و ابزارهای یکسان برای مواجهه با دو طیف متفاوت محققان دانشگاهی و فعالان کسب‌وکارهای سنتی رویکرد چندان مناسبی به نظر نمی‌رسد؛ چراکه اساساً نیازها و محرک‌های این دو قشر برای انتفاع از مالکیت فکری تفاوت‌های بنیادین دارد. بر همین اساس، ضروری است سیاست‌های مالکیت فکری با نیازهای کاربران متفاوت همچون محققان دانشگاهی، شرکت‌های نوپا، شرکت‌های صنعتی بزرگ و کسب‌وکارهای سنتی متناسب‌سازی شود. از این رو ضرورت می‌یابد، علاوه بر ثبت اختراع، به سایر انواع مالکیت فکری که تناسب بیشتری با نیازهای کاربران متفاوت دارند توجه شود. توجه ویژه به ثبت علائم تجاری در کشور شبلی، به‌عنوان کشوری مزیت‌دار در زمینه محصولات کشاورزی، از این منظر قابل تحلیل است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان اذعان نمود که مقوله مالکیت فکری و اهمیت آن در رقابت‌پذیری و نوآوری برای ذی‌نفعان و مخاطبان، با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته در سال‌های اخیر، به‌طور گسترده تبیین نشده است. لذا ضروری است اقدامات ترویجی و آگاهی‌بخشی عمومی و تخصصی در این زمینه با قوت دنبال شود. بنابراین، ایجاد مراکز مشاوره مالکیت فکری به‌ویژه در مناطق با پتانسیل بالای ثبت مالکیت فکری نظیر پارک‌های فناوری و مراکز رشد توصیه می‌شود. در این خصوص، صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور و نیز کانون پتنت ایران اقدامات نسبتاً مناسبی انجام داده‌اند که لازم است گستردگی و عمق بیشتری یابد.

یکی از عوامل ترغیب‌کننده برای ثبت انواع مالکیت فکری وجود سازوکار حقوقی شفاف و قابل‌انکاس برای تبادل مالکیت فکری است. شکل‌گیری بورس مالکیت فکری، به‌منزله بستری برای خرید دارایی‌های فکری و نامشهود در کشور، به تسهیل تبادلات در این زمینه کمک خواهد کرد. یکی از پیش‌نیازهای ضروری، افزایش دانش و تجربه کارگزاران در زمینه ارزش‌گذاری فناوری و دارایی‌های نامشهود است. اگرچه بر توجه به اقتضات زمینه‌ای کشور در طراحی نظام مالکیت فکری مطلوب همواره تأکید شده است، این امر هرگز به‌معنای نادیده‌انگاشتن تجارب

- Centre for Strategic Management and Studies, (06/04/2016). <https://www.cgee.org.br/the-brazilian-innovation-system>. مدرس.
- گودرزی، مهدی و باقری، سیدکامران (۱۳۸۲). «بررسی نظام مالکیت فکری ایران». رشد فناوری، دوره ۲، شماره ۶، ص ۱۶-۲۴.
- OECD (2014). *National Intellectual Property Systems, Innovation and Economic Development with Perspectives on Colombia and Indonesia*.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). قانون علامات صنعتی و تجارت.
- Pammolli, F. and Rossi, M. A. (2005). "Intellectual property, technological regimes and market dynamics". *Economia E Politica Industriale*, 2005, vol. 2005/2, issue 2.
- میرعمادی، سیدایمان (۱۳۹۸). «نظام ملی نوآوری و نقش آن در بهبود سیاست‌های علم، فناوری و نوآوری». سیاست علم و فناوری، دوره ۱۱، شماره ۲، ص ۱۳۵-۱۵۴.
- Sarkissian, A. (2008). "Intellectual property rights for developing countries: Lessons from Iran". *Technovation*, 28, pp. 786-798.
- نقشه جامع علمی کشور (۱۳۸۹). قابل دسترسی در سایت <https://sccr.ir/Files/6603.pdf>
- Viotti, E. B. (2002). "National Learning Systems: A new approach on technological change in late industrializing economies and evidences from the cases of Brazil and South Korea". *Technological Forecasting and Social Change*, 69(7), pp. 653-680.
- وزارت دادگستری (۱۳۹۸). «سیر تکاملی سیستم قضایی». قابل دسترسی در سایت: <https://www.justice.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId =a9034f2e-c9b3-44ce-ae55-01d6f20ef9da>
- WIPO (2013). *Intellectual Property and Socio-Economic Development Country Study Chile*. Geneva, WIPO.
- Aboites, J. and Cimoli, M. (2002). "Intellectual Property Rights and National Innovation Systems-some Lessons From the Mexican Experience". *Revue d'économie industrielle*, 99, pp. 215-232.
- WIPO (2018). WIPO Lex - A Free Global Database of IP Laws and Treaties.
- Cimoli, M. and Dosi, G. (1995). "Technological paradigms, patterns of learning and development: an introductory roadmap". *Journal of Evolutionary economics*, 5, pp. 243-268.
- Wang, Y. and Zhou, Z. (2012). "Can Open Innovation Approach Be Applied by Latecomer Firms in Emerging Countries?" *Journal of Knowledge-based Innovation in China*, 4(3), pp. 163-173.
- Freeman, C. (1989). *Technology Policy and Economic Performance*. Great Britain: Pinter Publisher.
- Ghazinoory, S., Abdi, M. and Azadegan-Mehr, M. (2011). "SWOT Methodology: A state-of-the-art review for the past, a framework for the future". *Journal of Business Economics and Management*, 12(1), pp. 24-48.
- Hernesniemi, H. (2000). "Evaluation of Estonian Innovation System". (No. 722). ETLA Discussion Papers.
- Lall, S. (2003). "Indicators of the Relative Importance of IPRs in Developing Countries". *Research Policy*, 32(9), pp. 1657-1680.
- Martin, B. R. (2012). "The Evolution of Science Policy and Innovation Studies". *Research Policy*, 41, pp. 1219-1239.
- Mazzucato, m. and Penna, C. (2016) *The Brazilian Innovation System: A Mission-Oriented Policy Proposal*. Report for the Brazilian Government commissioned by the Brazilian Ministry for Science, Technology and Innovation through the

Policy Recommendations for Promoting Intellectual Property System in Iran

Javad Mashayekh¹

Abstract:

Intellectual property system (IPS) can be defined as the set of institutions and rules involved in the design, implementation, and enforcement of intellectual property in a national economy. Intellectual property system as a main subsystem of the national innovation system potentially is a powerful tool for innovation policies in every country with different developmental level. However, due to differences in the nature and function of the national innovation system in developing countries vs. developed countries, intellectual property system must be proportionate to the developmental level and innovation capacities in these countries. In this paper, after reviewing the history of the evolution of intellectual property system in Iran and describing its main components, SWOT method has been used to analyze strengths, weaknesses, opportunities, and threats of the current intellectual property system. Finally, policy suggestions for further conformity between the intellectual property system and the national innovation system in Iran are presented and discussed in detail.

Keywords: Intellectual Property System, National Innovation System, Developing Countries, SWOT

1. Research fellow at technology studies institute; mashayekh@tsi.ir

